

# دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۳، سلیمان، سازنده معبد

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۳، سلیمان، سازنده معبد است.

ما آخرین جلسه خود را با اعطای حکم داوود به شورای اسرائیل مبنی بر نیاز آنها برای حمایت از سلیمان در تلاش برای ساخت معبد به پایان رساندیم.

بنابراین، امروز با سلطنت سلیمان ادامه می‌دهیم. از نظر وقایع‌نگار، دوره کاملاً جدیدی وجود دارد که با سلطنت سلیمان آغاز می‌شود. این موضوع در سخنرانی داوود در فصل ۲۸ آشکار شده است.

داوود می‌گوید که خداوند سلیمان را به عنوان جانشین من بر تخت سلطنت تعیین کرده است، و او این را به کلمه عبری شالوم ربط می‌دهد. این کلمه ممکن است برای شما آشنا باشد، اما عبری‌ها از آن به روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند. اما اساساً، به معنای صلح به معنای نسبتاً جامع است.

بنابراین، وقایع‌نگار با سلیمان، آغاز دوران جدیدی را می‌بیند. این دوران وهم‌آور صلح و آرامش است. داوود صلاحیت ساخت معبد را ندارد زیرا او مرد جنگ بود و خون زیادی ریخته بود.

حال، جالب است که وقایع‌نگار اساساً گسترش امپراتوری داوود را که یک جنگ تجاوزکارانه است، تأیید می‌کند. بنابراین، اگرچه عمونیان و آرامیان به اسرائیل حمله کرده بودند، داوود با فتح آنها، کنترل قلمرو خود را تا منطقه آرام و سراسر اطراف عمونیان و موآب و ادوم و فلسطین گسترش داد. بنابراین این امپراتوری داوود می‌شود و او آن امپراتوری را از طریق فتح و جنگ به دست می‌آورد.

وقایع‌نگار تلویحاً اشاره می‌کند که یک مسئله اخلاقی وجود دارد. داوود مردی است که خون زیادی ریخته است و بنابراین، صلاحیت ساخت معبد را ندارد. اما اکنون ما سلیمان را داریم و نام او ما را به یاد صلح می‌اندازد. او کسی است که اکنون نماینده آرامش خداست و سپس اوست که صلاحیت ساخت معبد را پیدا می‌کند، معبدی که نماد سلطنت خداست.

بنابراین، در طرح کلی تواریخ، به بخش کاملاً جدیدی می‌رویم. بخش اول تواریخ به هویت ملت و سپس به تأسیس پادشاهی و مقدمات معبد می‌پردازد. اکنون به خود معبد می‌رسیم و این با سلطنت سلیمان آغاز می‌شود.

بنابراین، بخش بزرگ بعدی در تواریخ، تا پایان باب ۹، به سلیمان، ساخت معبد و شکوه سلطنت او می‌پردازد. در تواریخ، سلیمان مردی صلح‌جو است. سلیمان مردی است که از هر نظر، نمایانگر آرمان‌های پادشاهی خداست.

ما چیزی در مورد برخی از شکست‌های سلیمان، که در کتاب پادشاهان آمده است، نمی‌شنویم. این بخشی نیست که وقایع‌نگار می‌خواهد روی آن تمرکز کند. در عوض، او می‌خواهد ما نقشه و نیت خدا را برای پادشاهی خودش ببینیم.

وقتی به کل این نه فصل اول نگاه می‌کنیم، ممکن است فوراً متوجه نشویم که واقعاً ساختاری برای آنها وجود دارد. ما گاهی اوقات این را ساختار از نوع کیاستیک یا ساختار از نوع پالیستروف می‌نامیم، که در آن نقطه‌ای که با آن شروع می‌کنید، نقطه‌ای است که با آن پایان می‌دهید. و شما به سمت نکته اصلی پیش می‌روید و سپس موضوع را در مسیر برگشت تکرار می‌کنید.

این نوع ساختاری است که ما گهگاه به آن اشاره خواهیم کرد. ما قبلاً آن را در ارائه وقایع‌نگاری از داوود دیده‌ایم. ممکن است که این واقعاً یک ابزار یادآوری بوده باشد، یعنی راهی برای به خاطر سپردن محتوا، مطالب و توانایی شناسایی محل آن.

اما آنچه ما داریم سلیمان است، که با سلیمان شروع می‌شود. او شخصی است که به دنبال خداوند می‌گردد و ما قبلاً به اهمیت کلمه «جستجو» در طرح وقایع‌نگار اشاره کرده‌ایم. سپس رؤیایی در جبعون داریم، جایی که به سلیمان موهبت حکمت اعطا می‌شود، بیانیه‌ای در مورد قدرت، ثروت و نفوذ سلیمان.

سپس، نکته اصلی، و می‌توانیم ببینیم که این تقریباً همه چیز را در مورد سلیمان، یعنی ساخت معبد، در بر می‌گیرد. و سپس، ما بیشتر در مورد تجارت و ثروت عظیم سلیمان می‌شنویم. ما با بازدید ملکه سبا از منطقه عربستان، و سپس پایان حکمت و ثروت سلیمان، شاهد بدنامی بین‌المللی او هستیم.

بنابراین، کم و بیش این همان سازه‌ای است که وقایع‌نگار برای معرفی سلیمان خود استفاده می‌کند. او همچنین از سازه‌ای مشابه برای معرفی ساختمان خود معبد استفاده می‌کند. بنابراین، ما با تهیه نیروی کار و مصالح در فصل ۲ شروع می‌کنیم. سازه و اثاثیه آن توسط داوود به او داده شده بود.

وقف معبد، وقف مردم. در اینجا تقدیس معبد و یادآوری عملکرد آن آمده است، جایی که برخی از هشدارها در مورد نافرمانی، بی‌وفایی به عهدی که قبلاً داشتیم را دریافت می‌کنیم. و سپس به نحوه تهیه مواد و هر چیز دیگری برای سلیمان برمی‌گردیم.

بنابراین، ما از اینجا با مقدمات معبد شروع می‌کنیم. یکی دیگر از این تقاطع‌ها جایی است که ما فراخوان نیروی کار را در فصل ۲، آیه ۲ می‌بینیم. نامه سلیمان به هیرام در ۲:۳ تا ۱۰. پاسخ هیرام به سلیمان و سپس نیروی کار در فصل ۲ آمده است. بنابراین در اینجا ما ساختار معبد و اثاثیه آن را داریم که در فصل ۳، آیه ۱ تا فصل ۵، آیه ۱ به ما داده شده است. ما تأسیس خود معبد را داریم، جایی که وقایع‌نگار اطلاعاتی را به ۱ ما می‌دهد که مختص اوست.

در اینجا او به سفر پیدایش و داستان ابراهیم و آزمایش او با بخشیدن تنها پسرش اسحاق به عنوان هدیه به یهوه برمی‌گردد. و این اتفاق در کوه موری رخ می‌دهد. جغرافیای واقعی و مکان کوه موری در سفر پیدایش، بدیهی نیست، اما وقایع‌نگار آن کوه را با همان کوهی که داوود برای محل معبد در خرمنگاه تعیین کرده بود، جایی که طاعون متوقف شد، یکی می‌داند.

و بنابراین، معبد قرار است بر روی آن کوه ساخته شود. می‌توانیم درک کنیم که چرا، طبق سنت، این تپه در دوران مدرن به تپه‌ای بسیار بسیار مطلوب و مقدس برای همه مردم یهودی و با پیشینه یهودی تبدیل شده است. البته، همانطور که به خوبی می‌دانیم، این تپه توسط مسلمانان تصرف شد و آنها زیارتگاه خود را در بالای آن تپه ساختند که منجر به درگیری دائمی بین دو گروه، به ویژه در امتداد دیوار ندبه، جایی که یهودیان هنوز مجاز به آمدن برای دعا هستند، شده است.

دیوار ندبه اساساً بقایای برخی از پایه‌های معبد است که هیرودیس آن را ساخته بود. بنابراین، این نزدیکترین جایی است که آنها می‌توانند به کوه موری، همانطور که وقایع‌نگار اینجا آن را می‌نامد، برسند. سپس کل

ساختار معبد را داریم که در ۳ آیه ۳ تا ۷ به ما داده شده است و اثاثیه معبد را داریم که در فصل‌های ۳ و ۴ آمده است. بنابراین، در اینجا می‌خواهم به یک پاورپوینت دیگر بروم تا کمی در مورد ساختار معبد و عملکرد آن و همچنین نحوه‌ای که داوود آن را به سلیمان داد صحبت کنم.

برای انجام این کار، به کتاب خروج برمی‌گردم، زیرا معبد سلیمان در واقع در امتداد خیمه مقدس طراحی و مدل‌سازی شده است. همه ابعاد آن یکسان است. همه ساختارها و ویژگی‌های نمادین یکسانی دارد.

فقط کمی بزرگتر است. حالا، با استانداردهای رومی ساخت معبد، معبد هنوز فضای کوچکی بود، اما مطمئناً بزرگ بود، دو برابر اندازه خیمه بود. بنابراین، این ساختار اساسی خیمه است، به همان شکلی که در بیابان بود، و معبد سلیمان نیز دقیقاً در همین راستا طراحی شده است.

بنابراین، در اطراف بیرون، آنچه دارید، حیاط خیمه است. این یک پرده دیواری بود. اما البته، در ساخت سلیمان، همه اینها به حیاط بیرونی یک دیوار تبدیل شدند.

و سپس در داخل آن حیاط، که دقیقاً به شکلی متقارن قرار گرفته بود، خود ساختمان قرار داشت. بنابراین، این نمایانگر شرق است. متأسفانه، در این اسلاید باید جای جنوب و شمال عوض شود.

این نشان دهنده شرق است. و ضلع شرقی خود ساختمان در مرکز حیاط بود. در مورد خیمه، ما ساختمان را داشتیم که در مورد خیمه قابل حمل و جابجایی بود، به اندازه 30 ذراع.

بنابراین، مقدس‌ترین فضا در پشت خیمه، جایی که تخت خدا قرار داشت، دقیقاً ۱۰ ذراع در ۱۰ ذراع در ۱۰ ذراع بود. در معبد سلیمان، این اندازه دو برابر می‌شود. بنابراین می‌شود ۲۰ ذراع در ۲۰ ذراع در ۲۰ ذراع.

و این، به جای ۲۰ ذراع، ۴۰ ذراع است. در جلوی پرده، قربانگاه بخور قرار دارد که نمایانگر حضور خداست و در پشت پرده قرار دارد. و البته، بخور نه تنها روزانه برای یادآوری حضور خدا به همه، بلکه به ویژه هنگامی که روز کفاره را داریم، تولید می‌شود. بخوری که بر قربانگاه انداخته می‌شود، محافظی در برابر جلال مقدس‌ترین مکان است.

بنابراین، کاهن محافظت می‌شود. پس آنچه داریم سفره نان است که نشان دهنده عنایت خداوند در خلقت اوست. و ما منوره یا شمعدان شاخه‌دار را داریم که نور می‌داد.

بنابراین، همانطور که خواهیم دید، به خصوص در مجموعه ارائه‌های بعدی‌مان، همه اینها قرار است نمایانگر خلقت باشد. قرار است نمایانگر این واقعیت باشد که خدا در خلقت خود حضور دارد اما در واقع هیچ نوع حضور فیزیکی در آنجا ندارد. بلکه او متعلق به مقدسات است.

امر مقدس صرفاً بُعد دیگری است. امر مقدس بُعدی است که به تنها ابعادی که می‌شناسیم، یعنی زمان و مکان، محدود نمی‌شود. ما همه چیز را بر اساس فضا اندازه‌گیری می‌کنیم زیرا موجوداتی مادی هستیم.

ما در یک دنیای فیزیکی زندگی می‌کنیم. بنابراین، ما نه تنها زمین را از نظر فضا اندازه‌گیری می‌کنیم، بلکه سیارات فراتر از زمین را نیز از نظر فضا اندازه‌گیری می‌کنیم. اینها همان اصطلاحاتی هستند که ما برای اندازه‌گیری خود زمین استفاده می‌کنیم.

این کمی طعنه‌آمیز است که ما چطور این کار را در مورد فضای فراتر از زمین انجام می‌دهیم. ما از زمان استفاده می‌کنیم. و باز هم، این محدودیتی است که به سادگی به مقدسات تعلق ندارد.

مربوط نیست. بُعد مرتبیطی نیست. و زمان واقعاً چیست؟ خب، پیدایش ۱، آیه ۱۴ به ما می‌گوید که زمان چیست.

این چیزی است که به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا به ما داده شده است. خدا خورشید و ماه را در جای خود قرار داده و آنها نور می‌دهند. اما به وسیله آن، ما می‌توانیم فصل‌ها و ساعت‌ها را اندازه‌گیری کنیم.

و ما به عنوان انسان، مجبوریم با زمان زندگی کنیم. بنابراین، زمان برای ما بر حسب سال و با گردش زمین به دور خورشید اندازه‌گیری می‌شود، که ما آن را فقط با نگاه کردن به ستارگان می‌دانیم، ستارگانی که از نظر زمین ما در موقعیت‌های ثابت خود باقی می‌مانند. بنابراین، واقعاً همه چیز بسیار نسبی است.

کل روشی که ما در مورد فضا و زمان صحبت می‌کنیم کاملاً به نحوه انجام کارها روی زمین بستگی دارد، که تنها راهی است که می‌توانیم آنها را انجام دهیم. بنی اسرائیل می‌گفتند بُعد دیگری هم وجود دارد. بُعدی وجود دارد که مقدس نامیده می‌شود.

و بُعدی که قلمرو قدس خداست، بُعدی است که در آن زمان و مکان خلق می‌شوند. بنابراین، زمان و مکان توسط این بخش از معبد سلیمان نشان داده می‌شوند، اما قدس کاملاً از هم جداست. و همانطور که خواهیم دید، این تقدس در مورد معبد با تاریکی نشان داده شده است، فقط برای نشان دادن اینکه بُعد دیگری است که به نور وابسته نیست، همانطور که زمین به نور وابسته است.

و این بُعد دیگری است که در آن ما چیزها را با نور از نظر زمان اندازه‌گیری نمی‌کنیم. این فقط تاریکی است. بنابراین، این یک کره کاملاً متفاوت است.

البته این یک تصویر است، یک استعاره است، تا به ما کمک کند درک کنیم که کاملاً به خدا وابسته‌ایم. خدایی که ما فقط می‌توانیم او را از نظر محدودیت‌های فیزیکی خودمان به عنوان انسان درک کنیم. ما فقط می‌توانیم او را به طور نسبی، به معنای شخص و وجودش، درک کنیم.

البته ما می‌توانیم او را به درستی بشناسیم. ما می‌توانیم به درستی بدانیم که خدا چه می‌خواهد و از ما چه می‌خواهد. اما معبد یادآوری مداومی در مورد امر مقدس است.

ما قبلاً در مورد مرگ عزیزا اشاره کردیم. و این مجازات بسیار سختی برای عمل ساده تلاش برای مطالعه صندوق عهد بود، زیرا نمادهایی که قرار است نمایانگر امر مقدس در قلمرو عمومی، زمین و خلقت و غیره باشند، باید شناخته شوند که این نمادها صرفاً متعلق به ویژگی‌های این زمین نیستند. این صندوق فقط یک جعبه دیگر نیست.

حال، ما در حیاط بیرونی یک قربانگاه بزرگ برنزی نیز داریم که نذورات بر روی آن انجام می‌شود. و سپس چیزی را داریم که در پادشاهان به آن دریا می‌گویند. وقایع‌نگار به آن به این شکل اشاره نمی‌کند.

به نظر می‌رسد در کتاب پادشاهان نیز نوعی بازنمایی نمادین دارد، به این معنی که نمایانگر نظمی است که خلقت از آن آغاز شده است. دریا با آنچه قبل از خلقت بوده، هر چه که باشد، یکی دانسته می‌شود. اما در تواریخ، این بیشتر یک کارکرد عملی و کاربردی دارد که به تطهیر در رابطه با قربانی‌ها مربوط می‌شود.

سپس، ابعاد تقدس در تواریخ به طور ضمنی آمده است، همانطور که او با جزئیات اثاثیه معبد را توصیف می‌کند. اما خود اتاق تاج و تخت، که مقدس‌ترین مکان است، تماماً با طلا روکش شده است. و کروبیان نیز همگی با طلا روکش شده‌اند.

و سپس مکان مقدس وجود دارد، و سپس صحن وجود دارد. بنابراین، سه سطح از معبد وجود دارد. مکان مقدس، البته، فقط برای کاهنان قابل دسترسی است زیرا فقط کاهنان هستند که می‌توانند به عنوان واسطه بین ما به عنوان انسان‌های فانی و خدا عمل کنند.

شیوه‌ای که حکومت در دوران باستان به نمایش گذاشته می‌شد، و وقایع‌نگار قرار است در مورد آن صحبت کند، بر اساس چیزی است که کتاب مقدس آن را کروبیان می‌نامد. اینها موجوداتی مرکب هستند: گاو و شیر، عقاب و انسان. به نظر می‌رسد که آنها نمایانگر قلمرویی بر همه حوزه‌ها هستند: اهلی، حیوانات وحشی، پرندگان و انسان.

این کروبیان در خاور نزدیک باستان آشنا هستند، زیرا همیشه برای نشان دادن سلطه و حکومت و تاج و تخت استفاده می‌شوند. و بنابراین ما همین نوع چیزها را در توصیف وقایع‌نگار از معبد سلیمان داریم. حالا من در واقع در کنار این موجود خاص در موزه بریتانیا ایستاده‌ام.

خیلی بزرگه. سرم تا اونجا بالا می‌اد، روی این حیوان. این موجود در دوران امپراتوری بریتانیا، از عراق به موزه بریتانیا منتقل شد، زمانی که همه چیز را به هر شکلی که می‌خواستند در سراسر جهان جابه‌جا می‌کردند.

اما اینجا می‌توانید بال‌های عقاب، پاهای گاو و بدن گاو، و باید بگویم، بدن گاو و پاهای گاو، پاهای شیر و البته سر آن شخص را ببینید. و اینها در کاخ آشوربانیپال قرار داشتند. اما این موضوع در فلسطین رایج بود.

این کتیبه‌ای است که از فلسطین آمده است. اما در اینجا تختی وجود دارد که از مجدو آمده است. و می‌توانید ببینید که این تخت چگونه طراحی و نمایش داده شده است.

و توصیف موجود در تواریخ به ما نشان می‌دهد که این ایده‌ای است که در پس شیوه‌ای که قرار بود حکومت خدا توسط کروبیان در مقدس‌ترین مکان نشان داده شود، نهفته است. کروبیان در مقدس‌ترین مکان بسیار عظیم هستند. عرض مکان مقدس ۲۰ ذراع است.

و نوک کروبیان دو طرف دیوار را لمس می‌کند. بنابراین آنها کاملاً عظیم هستند. در اینجا یک تخت انسانی معمولی‌تر را می‌بینیم.

در اینجا شما پای‌پایه را دارید که در مقدس‌ترین مکان معبد، نماد آن تابوت عهد خواهد بود. درون تابوت عهد، عهد و پیمان قرار دارد. عهد و پیمان، نمایانگر رابطه بین انسان و خداست.

این شامل ۱۰ کلمه است که ما اغلب به آنها ۱۰ فرمان می‌گوییم. اما آنها واقعاً چیزی فراتر از فرمان هستند. آنها ارزش‌هایی را بیان می‌کنند که برای زندگی و خانواده بسیار مهم هستند.

و شناخت قدوسیت خداوند. در اینجا، شما شکل‌گیری کناره‌های تخت، بال‌های عقاب را می‌بینید. در اینجا سر مرد را در جلوی کرسی تخت می‌بینید.

و این بدن شیر است. در این مورد، بدن همان شیر است. و سم‌ها همان گاو نر هستند.

اما شما هنوز همان چهار موجود را دارید: گاو، شیر، و بال‌ها و انسان و البته، خود پادشاه بر تخت سلطنت نشسته است.

بنابراین، این نوع تصویر در روزگار سلیمان آشنا بوده است. و بدون شک، هنوز هم در روزگار وقایع‌نگار هنگامی که معبد سلیمان را توصیف می‌کند، شناخته شده است. با این حال، وقایع‌نگار معبد سلیمان را اقتباس کرده و معبد سلیمان را آنطور که در نوشته‌های کتاب مقدس خود یافته است، توصیف می‌کند.

همانطور که او آن را در کتاب پادشاهان یافت. یک نمودار دیگر از یک کروی. همانطور که می‌بینیم، این کتیبه‌ها به اشکال مختلفی آمده‌اند.

اما اینجا زیرپای، بدن شیر، پاهای گاو و غیره است. بال‌های عقاب. بنابراین، مقدس‌ترین مکان ممکن است چیزی شبیه به این بوده باشد.

آنچه در مورد مقدس‌ترین مکان منحصر به فرد است این است که هیچ جایگاهی برای تخت وجود ندارد. نیازی به وجود جایگاهی برای تخت نیست زیرا تمام کاری که کرویان در این مقدس‌ترین مکان انجام می‌دهند. نمایانگر سلطه است. آنها نمایانگر سلطه خداوند هستند.

بنابراین، بال‌های کروی در وسط به هم می‌رسند و سپس دو دیوار را لمس می‌کنند. و ما آنجا زیرپای را می‌بینیم که همان صندوق عهد است که در جلوی مقدس‌ترین مکان قرار دارد. و البته، همانطور که می‌دانیم، بالای صندوق عهد روکش طلا دارد.

کاپودت می‌گویند. اما کافار یا کفاره دادن در زبان عبری، فقط راهی برای نشان دادن و بیان این است که تجاوزات به عهد، شکست‌های عهد، در اینجا می‌توانند به عنوان بخشوده شده نشان داده شوند. به همین دلیل است که روزی برای کفاره وجود دارد که خون بر روی کاپودت پاشیده می‌شود.

پرده کنار می‌رود، بخور بر روی قربانگاه انداخته می‌شود و خون بر بالای کاپودت پاشیده می‌شود. البته در داخل، لوح‌ها و کرویان قرار دارند که در مقدس‌ترین مکان قرار دارند. بنابراین این چیزی نبوده که مردم روزگار وقایع‌نگار واقعاً دیده باشند.

حالا معبد بازسازی و مرمت شد. ما چیزی در مورد صندوق عهد در دوره معبد دوم نمی‌دانیم. بنابراین دقیقاً نمی‌دانیم که نسخه بازسازی شده معبد هنگام مرمت چه بوده است.

اما این برای وقایع‌نگار به اندازه واقعیت هر چیزی که نماد آن است، مهم نیست. در کتاب مقدس آنها، آنها می‌دانستند که زندگی در خون است. بنابراین، فدی، جرمه‌ای که می‌تواند برای نقض پیمان علیه کسی که زندگی می‌بخشد پرداخت شود، با خون نشان داده می‌شود.

و روز کفاره روشی است که در آن تمام مردم، تمام ملت اسرائیل، توسط کاهن با پاشیدن خون بر بالای قربانگاه یا کاپودت کفاره می‌شوند. بنابراین، همانطور که وقایع‌نگار به پادشاهان مختلف و زمان‌های مختلفی که این جشن‌ها در زمان او برگزار می‌شدند، می‌پردازد، این مفاهیم هستند که باید روشن شوند. آنها به صراحت در وقایع‌نامه‌ها بیان نشده‌اند، و در واقع در هیچ کجا به صراحت بیان نشده‌اند.

خواهیم دید که مزامیر به برخی از این موارد اشاره بسیار بیشتری دارد. با این حال، این نمادگرایی معبد است و البته، برای ما به عنوان مسیحیان، همانطور که نویسنده عبرانیان تلاش زیادی برای اشاره به آن کرده است، همه این نمادها در شخص عیسی مسیح تحقق می‌یابند.

بنابراین، نویسنده به عبرانیان روشن می‌کند که عیسی بره است. عیسی کسی است که خون رهایی بخش را فراهم می‌کند. عیسی معبد است.

عیسی مقدس‌ترین مکان است. این یک تمثیل نیست. معبد از این نظر که هر بخش از معبد نمایانگر جنبه‌ای متفاوت از عیسی باشد، تمثیلی نیست.

بلکه، خود عیسی در شخص خود، با تبدیل شدن به یکی از ما به عنوان یک انسان، نمایانگر هر چیزی است که معبد نمایانگر آن بود. به همین دلیل است که عیسی می‌تواند در یوحنا فصل ۲ بگوید، این معبد را ویران کنید و در سه روز آن را برپا خواهم کرد. شاگردان فهمیدند که معبد نمایانگر بدن اوست.

و بنابراین، برای مسیحیان، بدن عیسی جایگزین نیاز به هرگونه بازنمایی فیزیکی می‌شود که در زمان‌های گذشته و در روزگار وقایع‌نگار وجود داشت. بنابراین، همانطور که تواریخ را می‌خوانیم، به نوعی، اهمیت و معنای کفاره، اهمیت و معنای کار عیسی بر روی صلیب، قرار است برای ما روشن‌گر باشد. تا به ما کمک کند تا بفهمیم چگونه می‌توانیم با خدای بسیار مقدس رابطه داشته باشیم.

اگرچه ما فانی هستیم، اگرچه در حفظ عهد او آنطور که باید کوتاهی می‌کنیم، این راهی است برای نشان دادن چگونگی عملکرد رحمت خدا. چگونگی وقوع بخشش و چگونگی وجود رابطه علیرغم شکست‌های ما. معبد، همانطور که در تواریخ درباره آن می‌خوانیم، نباید فقط یک بنای باشکوه باشد.

زیرا از بسیاری جهات، از نظر انسانی، در مقایسه با سایر بناهای عظیم گذشته باستان، واقعاً آنقدرها هم بزرگ نبود. ساختمانی باشکوه بود. با طلا پوشیده شده بود.

کروبیان بر روی دیوارها در همه جای داخل مکان مقدس نقش بسته بودند، همانطور که وقایع‌نگار می‌گوید، درخت زندگی آنجا بود. این درخت نمایانگر تمام خلقت بود. مکانی باشکوه بود.

برای وقایع‌نگار زمان خود، این موضوع بسیار مهم بود. بنابراین، معبد باید ساخته می‌شد و کارکرد آن، یعنی عبادت، باید انجام می‌شد.

و فداکاری او برای اهمیت این موضوع در این دیده می‌شود که زندگی ما نیز در همین راستا است. زندگی ما در این دنیا برای نشان دادن حضور و جلال خداست. و ما این کار را متناسب با زمان خود انجام می‌دهیم.

و در زمان وقایع‌نگار، این امر از طریق نمایش خدا در معبدش و قومش در اطراف آن و ستایش آنها صورت می‌گرفت. به همین دلیل است که بخش زیادی از کتاب تواریخ به معبد اختصاص داده شده است و بخش عمده‌ای از زندگی سلیمان به معبد اختصاص دارد. این گفته‌ی دکتر آگوست کانکل در آموزه‌هایش در مورد کتاب‌های تواریخ است.

این دکتر آگوست کانکل است در تدریسش در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه ۱۳ است، سلیمان سازنده معبد.